



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

**حقوق بین الملل و
کاربرد سلاحهای شیمیایی
در جنگ تحمیلی عراق علیه
جمهوری اسلامی ایران**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق بین‌الملل و کاربرد و سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

نویسنده:

قاسم زمانی

ناشر چاپی:

بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، مدیریت انتشارات و ادبیات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حقوق بین‌الملل و کاربرد و سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران
۷	مشخصات کتاب
۷	چکیده
۷	مقدمه
۸	استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا قرن ۱۹
۸	عصر نوین جنگ‌های شیمیایی
۱۰	استفاده از سلاح‌های شیمیایی بین دو جنگ جهانی
۱۱	عدم استفاده عمده تسلیحات شیمیایی در جنگ جهانی دوم
۱۲	سلاح‌های شیمیایی بعد از جنگ جهانی دوم
۱۲	کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران
۱۲	روند رو به رشد حملات شیمیایی عراق
۱۳	حملات شیمیایی تا قبل از عملیات خیبر
۱۳	حملات شیمیایی دی ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۲
۱۳	حملات شیمیایی مرداد ۱۳۶۲ تا بهمن ۱۳۶۲
۱۴	حملات شیمیایی در عملیات خیبر
۱۴	حملات شیمیایی در عملیات بدر
۱۴	حملات شیمیایی در عملیات فاو (والفجر ۸)
۱۵	حادثه سردشت
۱۵	عملیات والفجر ۱۰ حوادث مریوان و روستاهای اطراف
۱۶	حملات عراق به مناطق فاو شلمچه مجنون
۱۶	کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای عراقی
۱۷	جمع بندی

۱۸ پاورقی

۲۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

حقوق بین‌الملل و کاربرد و سلامه‌های شیمیایی در جنگ تممیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

مشخصات کتاب

سرشناسه: زمانی، سیدقاسم، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: حقوق بین‌الملل و کاربرد و سلامه‌های شیمیایی در جنگ تممیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران/ تدوین و نگارش قاسم زمانی؛ بازنگری متن نگارش و ویراستار حسن یونسی؛ تهیه معاونت تحقیقات و مرکز اسناد بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس

مشخصات نشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس مدیریت، انتشارات و ادبیات، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص، [۸] ص. [عکس]: مصور.

شابک: ۶۰۰۰ ریال: ۲-۰۰۰-۶۶۶۰-۹۶۴

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Ghasem Zamani. International law and the use of chemical weapons in imposed war of Iraq against Islamic Republic of Iran

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۱۱] - ۲۱۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- جنگ شیمیایی

موضوع: حقوق بین‌الملل

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- جنبه‌های حقوقی

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس. مدیریت انتشارات و ادبیات

رده بندی کنگره: DSR۱۶۲۰/۵/ح۸/۱۳۷۶۷

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی: م ۷۷-۱۸۵۶۱

چکیده

این مقاله با یک ورود تاریخی به موضوع، ابتدا به اجمال با بیان تاریخچه‌ای از کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جریان جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم و دیگر جنگ‌های محدود پیش از وقوع جنگ تممیلی عراق علیه ایران، به بررسی موازین بین‌المللی جلوگیری از استفاده و اشاعه این قبیل سلاح‌ها می‌پردازد. در بحث مربوط به جنگ ایران و عراق، سیر استفاده این کشور از سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و مردم غیر نظامی ایران و همچنین علیه مردم خودش مورد بررسی قرار گرفته و در پایان برخورد سازمان ملل و کشورهای غربی با این اقدام غیر انسانی عراق تشریح شده است. واژه‌های کلیدی: سلاح‌های شیمیایی، کنترل تسلیحات، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، جنگ ایران و عراق، دادگاه صدام.

مقدمه

در تاریخ زندگی بشر شواهد زیادی حاکی از تلاش انسان به منظور استیلا بر دیگران وجود دارد. در این راستا، انسان‌ها به دلایل مختلف در قالب قبایل و در مناطق گوناگون با یکدیگر جنگیده و در این ستیزها از ابزارهای مختلف از جمله سلاح‌های شیمیایی

استفاده کرده‌اند. در زمانی که حقوق قراردادی جنگ هنوز تدوین و لازم الاجرا نشده بود، غلبه بر نیروهای دشمن یکی از اهداف غایی طرفین جنگ محسوب می‌شد ولو این هدف از طریق به کارگیری سلاح‌های شیمیایی تحقق یابد، به عبارت دیگر، در این دوران اصل حاکم، مثل معروف «ضرورت، قانون نمی‌شناسد» [۱] بود.

به طور کلی، کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ، تاریخچه‌ای دارد که با بررسی این دوره، علاوه بر اینکه برخی از حقایق مربوط به این امر آشکار می‌شود، بر اساس یک مطالعه تطبیقی می‌توان نوع، میزان، روند و ماهیت آثار و پیامدهای هر کدام از جنگ‌هایی را که در آنها سلاح شیمیایی به کار رفته است، به طور مقایسه‌ای سنجید. این امر، به ویژه از دیدگاه کشور ما که طعم تلخ جنایات شیمیایی صدام را

[صفحه ۳۴]

چشیده و در طول تاریخ بزرگترین و آخرین قربانی کاربرد وسیع و سازمان یافته سلاح‌های شیمیایی بوده است، اهمیت این مطالعه را دو چندان می‌سازد. زیرا، به هر تقدیر علاوه بر این که تجربه فوق، بخشی از تاریخ ما را تشکیل می‌دهد و واکاوی و ارائه آن، درس‌های برگرفته از آن را برای نسل‌های آینده و ملت‌های دیگر ماندگار خواهد ساخت؛ پیامدهای استراتژیک و نقش موثر کشورمان را در همکاری سازنده برای تأمین و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی روشن کند.

بنابراین، در مقاله حاضر با نگاهی مقایسه‌ای به تاریخ کاربرد سلاح‌های شیمیایی، به خصوص با تمرکز بر کاربرد این سلاح‌ها در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روند کاربرد، نتایج و پیامدهای آن را در رابطه با هر کشور درگیر و نیز در سطح نظام بین‌الملل پی می‌گیریم.

استفاده از سلاح‌های شیمیایی تا قرن ۱۹

تاریخ دقیق اولین کاربرد ماده شیمیایی به عنوان یک سلاح جنگی مشخص نیست. طبق اسناد و شواهد موجود از ابتدا به طور غیر منظم، ناقص و محدود و به صورت ساده از عوامل شیمیایی در جنگ‌ها استفاده می‌شد. در زمان‌های گذشته، برای اولین بار بشر از نفت و قیر به عنوان عامل شیمیایی استفاده کرده است. استفاده از مواد شیمیایی دودزا در زمان قدیم نیز رایج بود. در جنگ‌های ساسانیان و رومی‌ها به منظور تسخیر دژهای دشمن، سپاه ساسانی نقب‌هایی حفر می‌کرد و به هنگام برخورد با نقب دشمن «دو طرف می‌کوشیدند سربازان حریف را با سوزاندن گوگرد بیرون برانند» [۳] همچنین در یونان قدیم با ترکیب قیر، گوگرد و مواد چسبنده، ماده‌ای می‌ساختند که هنگامی که در آب ریخته می‌شد، آتش می‌گرفت، این ماده را آتش یونانی می‌خواندند. در جنگ ترکان عثمانی برای فتح استانبول به سال ۱۴۵۳ م. «مدافعان شهر برای مقابله... با پخش دود حاصل از سوزاندن گوگرد که همان SO₂ می‌باشد ترک‌ها را دچار خفگی می‌نمودند» [۳].

عصر نوین جنگ‌های شیمیایی

تاریخ جدید جنگ‌های شیمیایی به سال ۱۸۹۹ در جنگ انگلستان با بوئرها (مهاجرین هلندی ساکن آفریقای جنوبی) برمی‌گردد. «در آن جنگ ارتش انگلستان از توپ‌های حاوی اسید پیکریک استفاده کرد که اثر تهوع را داشتند» و نیز بنا به نوشته شارل روسو حقوقدان معروف «در جنگ ترانسوال، انگلستان از گلوله‌های توپی استفاده می‌کرد که حاوی لیدیت بود و پس از انفجار گازی متصاعد می‌کرد که موجب خفگی می‌شد» [۱۳].

از جمله پیامدهای مهم استفاده ارتش انگلستان از سلاح‌های شیمیایی این بود که دیگر قدرت‌های استعماری نیز به تولید و توسعه این گونه سلاح‌ها رو بیاورند. «این روند به قدری گسترش یافت که در آستانه جنگ جهانی اول طرفین متخاصم مقادیر بسیار زیادی از گازهای سمی را در انبارهای خویش ذخیره نموده بودند. عدم آگاهی نسبت به آثار زیانبار و وحشتناک این نوع از سلاح‌ها و عدم امکانات تدافعی نیروهای مسلح آن روز، سبب شد تا به کارگیری آنها تلفات و صدمات عظیمی را ببار بیاورد.» [۱۱] در طول جنگ جهانی اول، آلمان‌ها به دفعات از

[صفحه ۳۵]

جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کردند. «در اکتبر ۱۹۱۴ در نوشایل گلوله‌های حاوی گاز اشک آور به سوی فرانسوی‌ها پرتاب کردند، اما به سبب پراکندگی سربازان و محدود بودن شمار گلوله‌ها این تاکتیک چندان کارساز نبود حتی فرانسوی‌ها متوجه آن نشدند.... در سوم فوریه نیز آلمانی‌ها با گلوله‌های بزرگتری در منطقه یویسمف وارد کارزار شدند، ولی این بار نیز به خاطر سردی هوا گازهای متصاعد شده از این گلوله‌ها موثر واقع نگردید.» [۱۲].

آلمانی‌ها برای اولین بار گاز کلر را در ۲۲ آوریل ۱۹۱۵ در ایپر بلژیک علیه سربازان مستعمراتی فرانسه و پیاده نظام کانادایی که هیچ ماسکی برای حفاظت نداشتند، به کار بردند. تلفات ناشی از کاربرد این گاز در حدود بیست تا بیست و پنج هزار نفر بود، ولی دو روز بعد که آلمانی‌ها قصد داشتند با کاربرد گاز خردل به پیشروی تازه‌ای دست بزنند، با سربازان ماسک داری که حوله‌های خیس داشتند و ملحفه‌های مرطوب به خود پیچیده بودند، رو به رو شدند. در نتیجه، گاز فقط ۲۵ درصد سپاهیان دشمن را از فعالیت جنگی بازداشت. در آغاز سال ۱۹۱۶ بار دیگر آلمانی‌ها در وردن طی شش روز جنگ دو میلیون و پانصد هزار گلوله که صدها هزار آنها گلوله گاز دار بود، شلیک کردند که منجر به خفگی و مرگ یا تشنج دهها هزار فرانسوی شد.» [۱۳].

«علاوه بر آلمانی‌ها کشورهای دیگری که در جنگ جهانی اول به کار بردن جنگ افزارهای شیمیایی مبادرت ورزیدند، عبارت بودند از: مجارستان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، روسیه و آمریکا. نیروهای ترکیه در این جنگ به جنگ افزارهای شیمیایی مجهز بودند ولی ظاهراً از آنها استفاده نکردند.» [۱۱].

متفقین برای مقابله به مثل سلاح‌های شیمیایی به کار بردند، در LOOS (گینه) در ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۵، وردن و سوم (SOOM) در ۱۹۱۶ و سپس در ژوئیه ۱۹۱۸ گازهای فسژن، ایپریت و سنیت و آکرولین از همه بیشتر استفاده شد.

در مجموع در طول چهار سال جنگ جهانی اول حدود یک صد و بیست هزار تن از مواد شیمیایی استفاده کردند که شامل «۱۲ نوع گاز اشک آور، ۱۵ نوع گاز خفه کننده، ۳ نوع گاز خون، ۴ نوع گاز تهوع آور و تاول زا و دیگر گازهای سمی مورد استفاده قرار گرفت.» [۱۲].

آمار تلفات و مصدومین گازهای شیمیایی طی این جنگ چشمگیر بود و تعداد افرادی که بر اساس اطلاعات و آمار رسمی در معرض خطر مواد شیمیایی قرار گرفتند، بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر بود که حدود صد هزار نفر آنها کشته شدند.

تا این زمان، مهمترین تاثیر اشاعه و کاربرد سلاح‌های شیمیایی، در سطح بین‌المللی به خصوص در سوق دادن کشورها برای انعقاد معاهده‌ای جهت منع کاربرد این سلاح بود. به عبارت دیگر، بازتاب آثار وحشتناک استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول، کشورها را به انعقاد معاهده‌ای جدید مبنی بر ممنوعیت استفاده از گازهای خفه کننده سمی و دیگر گازها و روش‌های بیولوژیک جنگ (پروتکل ۱۹۲۵ ژنو) رهنمون می‌کرد و در نتیجه، روند مذاکرات خلع سلاح تسریع می‌شد. هر چند، کشورهای زیادی آن را امضا کردند ولی تصویب و الحاق به پروتکل بسیار کند بود. [۱۳] پروتکل ژنو به دلیل نواقص موجود از ایفای نقش

موثر در صحنه جهانی بازماند که نواقص آن عبارتند از:

پروتکل، تعهد عدم استفاده سلاح‌های شیمیایی را به تحقق شرایط جنگ به معنای وسیع کلمه محدود دانسته و آن را به برخوردهای مسلحانه منطقه‌ای و محدود توسعه نمی‌دهد. به علاوه، این ممنوعیت تنها اعضای پروتکل را متعهد می‌سازد و سایر دولت‌ها را شامل نمی‌شود.

ممنوعیت استفاده نیز مشروط شده است، زیرا بیش از ۴۰ کشور در موقع الحاق به این معاهده اعلام کردند تا زمانی که مفاد پروتکل پایبند خواهند بود که قوای مسلح سایر دولت‌ها به ممنوعیت‌های مربوطه احترام بگذارند.

پروتکل ژنو مکانیسمی برای بررسی، نظارت بر حسن اجرا و ضمانت اجرای کافی به ویژه در مورد تحقیق در موارد نقض و یا مجازات کشور خاطی در صورت اثبات ندارد و نیز توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های

[صفحه ۳۶]

شیمیایی موضوعی مبهم است. در مورد سلاح‌های ترکیبی و دوگانه که دارای موادی هستند که هر کدام به تنهایی مضر نبوده و به هنگام شلیک مخلوط شده و به گاز کشنده‌ای تبدیل می‌شوند، مشکل بتوان با استناد به پروتکل، ترکیبات دو تایی را ممنوع ساخت یا تولید آنها را در صنایع غیر نظامی کنترل نمود. تفاسیر ارائه شده در تعریف سلاح‌ها و به تبع آن شمول این تعریف بر مواد، مشکلاتی به وجود می‌آورند. مثلاً- بعضی از کشورها سلاح‌های آتش‌زا را مشمول منع استعمال می‌دانند و برخی بر عکس؛ مجادلات دیگری نیز در مورد گازهای اشک آور و عوامل ضد گیاه وجود دارد.

با ارزیابی مفاد کنوانسیون لاهه [۱۱] و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو می‌توان نتیجه گرفت که این دو سند بین‌المللی، بیشتر مقررات بشر دوستانه و نه قراردادهای کنترل تسلیحات تلقی می‌شوند؛ زیرا هیچ‌یک از آنها توسعه، ذخیره‌سازی و به خدمت گرفتن جنگ افزارهای شیمیایی را غیر قانونی اعلام نکرده‌اند. [۱۲] در حالی که منع سلاح‌های شیمیایی در این پروتکل و بسط آن به جنگ افزارهای میکروبی در سطح جهانی پذیرفته شده است و با وجود عضویت اکثر کشورهای جهان در این پروتکل، مقررات آن زیر پا گذاشته شده و کشورهای مختلف از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کرده‌اند، مثلاً عراق عضو این پروتکل می‌باشد. مفرهای زیاد این پروتکل برای شانه خالی کردن از اجرای تعهدات، برغم منع سلاح‌های شیمیایی، با تفسیر قدرت‌های بزرگ، پروتکل را به قرارداد عدم استفاده اول تبدیل کرد.

در مورد شرط استفاده از عمل متقابل بعضی کشورها نسبت به پروتکل ژنو ذکر نکته‌ای دیگر قابل توجه است.

تعدادی از کشورها در حالی که مذاکرات کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی رو به پایان بود. شرط فوق را پس گرفتند. استرالیا در سال ۱۹۸۹، رومانی، چکسلواکی و مغولستان در سال ۱۹۹۰، بلغارستان و شیلی در سال ۱۹۹۱، اسپانیا در سال ۱۹۹۲ جزء این کشورها بودند. همچنین کانادا و انگلستان در سال ۱۹۹۱ حضور خود در این کنوانسیون را تنها در مورد سلاح‌های بیولوژیک پس گرفتند. کشور باربادوس به عنوان دولت جانشین بریتانیا و روسیه نیز در سال ۱۹۹۲ موضع مشابهی اتخاذ کردند. [۱۳].

استفاده از سلاح‌های شیمیایی بین دو جنگ جهانی

در بین دو جنگ جهانی برغم امضای پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مبنی بر منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و تلاش‌های نافرجام جامعه ملل در زمینه خلع سلاح، کشورهای چند از این تسلیحات استفاده کردند. «در نوامبر ۱۹۳۵، به هنگام حمله ایتالیا به ایتوپیی سربازان موسولینی علیه مردم بی‌پناه ایتوپیی از گاز سمی استفاده کردند که در این تهاجم شیمیایی ۱۵ هزار نفر قربانی شدند.» [۱۴] در طول

جنگ‌های داخلی اسپانیا که از سال ۱۹۳۶ آغاز شد و روس‌ها جمهوری خواهان اسپانیا به رهبری فرانکو را در مقابل جبهه ناسیونالیست‌ها یاری می‌کردند، «به فرمان استالین در دو منطقه اسپانیا، گلوله‌های گاز سمی و خردل به کار برده شد که در نتیجه شمار زیادی از افراد غیر نظامی در روستاها و شهرها کشته شدند». [۱۵] استفاده از سلاح‌های شیمیایی همچنان ادامه داشت. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۷ «ژاپن در جنگ با چین به استفاده از سلاح‌های شیمیایی اقدام کرد و این امر تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت». [۱۶].

عدم استفاده عمده تسلیحات شیمیایی در جنگ جهانی دوم

رقابت تسلیحاتی چند سال قبل از جنگ جهانی دوم بین قدرت‌های بزرگ آغاز شده بود، به خصوص در زمینه تحقیق و توسعه سلاح‌های شیمیایی که در این باره کشورها به نتایج جدیدی رسیدند. پیشرفت‌های به دست آمده در این دوره بسیار مهم بودند، به طوری که خردل‌های نیتروژنه و عوامل گاز تولید شدند و آلمان‌ها دو سال قبل از آغاز جنگ، گاز عصبی سارین و تابون را کشف کردند. با دسترسی کشورهای متخاصم به تسلیحات شیمیایی و

[صفحه ۳۷]

انبارهای موجود از این سلاحها، تردیدی نبود که این کشورها در مقابله، با دشمن به توسل به سلاح‌های شیمیایی وسوسه شوند. در جنگ جهانی دوم همه متخصصان اصلی (انگلستان، فرانسه، آمریکا، شوروی، ژاپن، آلمان و ایتالیا) گازهای سمی مختلفی داشتند، «احتمالا در این زمان میزان کل ذخایر جنگ افزارهای شیمیایی توسط قدرت‌های اصلی متخاصم، به بیش از ۲۵ میلیون تن می‌رسید، دو برابر آنچه که در طول جنگ اول استفاده شد». [۱۷] ولی در این جنگ، سلاح‌های شیمیایی به طور عمده مورد استفاده قرار نگرفت، «نیروهای آلمان فقط در چندین تک در مقابل پارتیزان‌های شوروی در اودسا و کریمه از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کردند» [۱۸] انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها ماده‌ای تحت نام ناپالم (نفت ژله شده که ماده‌ای سوزان و خطرناک است) ساختند و از طریق بمباران‌های هوایی در آتش زدن شهرها و سربازان حریف استفاده کردند، «بر اثر بمباران هامبورگ توسط هواپیماهای متفقین در سال ۱۹۴۲، حدود ۲۰۰ هزار غیر نظامی سوختند... در ۱۹۴۵ نیز آمریکایی‌ها در سدان از ناپالم استفاده کردند که تلفات ناشی از آن را حدود ۴۰۰ هزار نفر گزارش کرده‌اند». [۱۹] دلیل این خودداری وسیع از سلاح‌های شیمیایی چیزی نبود جز این که «هیچ یک از دول متخاصم از قدرت و توانایی آنچنان بالایی که بتواند یک تهاجم شیمیایی وسیع و تمام کننده را سازماندهی کند، برخوردار نبود و همین امر دول متخاصم را در کاربرد سلاح‌های شیمیایی محتاط می‌نمود. دول قدرتمند متحد علیه آلمان در مواقعی که از جانب نیروهای آلمانی به شدت تحت فشار قرار داشتند حتی مسئله استفاده سلاح‌های شیمیایی علیه آن کشور را مورد بررسی قرار دادند اما از آنجا که از اقدام مقابله به مثل ارتش نیرومند آلمان وحشت داشتند از این اقدام خودداری نمودند». [۲۰] کارشناسان نظامی معتقدند که یک کشور در شرایط جنگی تنها از عواملی ممکن است استفاده کند که فن مقابله و درمان مصدومین ناشی از آن عوامل را نیز داشته باشد. در جنگ جهانی دوم، زراد خانه‌های شیمیایی کشورهای متخاصم با هم فرق داشت. به طور عمده آلمان‌ها عوامل اعصاب و متفقین عوامل خون را در اختیار داشتند. در نتیجه استفاده از سلاح‌های شیمیایی بدون داشتن وسایل درمانی مقابله با آنها، احتمال آسیب پذیری در مقابل عوامل ناشناخته را افزایش می‌داد. همچنین گفته شده است که «تأثیرات روانی به جا مانده از کاربرد این جنگ افزارها در جنگ جهانی اول و اینکه هیتلر خود از مصدومان ناشی از کاربرد این جنگ افزار در درگیری‌های جنگ اول بوده است»، [۲۱] در عدم تمایل آلمان‌ها به استفاده از سلاح‌های شیمیایی موثر

افتاد.

سلاح‌های شیمیایی بعد از جنگ جهانی دوم

بعد از جنگ جهانی دوم، رقابت تسلیحاتی نه تنها فروکش نکرد، بلکه با دو قطبی شدن جهان، ظهور کشورهای تازه استقلال یافته و پیشرفت علم و تکنولوژی، این رقابت جان تازه‌ای به خود گرفت و سلاح‌های شیمیایی اشاعه بیشتری یافتند.

«در جنگ ویتنام (۱۹۶۵ - ۱۹۷۲) آمریکایی‌ها با پاشیدن مواد سمی بر کشتزارها و جنگل‌ها که چریک‌های ویتنام از آنها در استتار خود استفاده می‌کردند، حیات گیاهی و جانوری را از بین بردند و از بمب ناپالم نیز در حد وسیعی علیه ویت کنگ‌ها استفاده کردند». [۲۲] در این جنگ «سلاح‌های شیمیایی نه به شکل گازهای سمی بلکه به صورت علف کش و گازهای اشک آور در حد زیاد، مخصوصا بین سال‌های ۱۹۶۵ - ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفت که میزان این استفاده چیزی در حدود مقدار مذکور در جنگ جهانی اول بود». [۲۳].

در جنگ‌های یمن (۱۹۶۳ - ۱۹۶۷)، مصر از جنگ افزارهای شیمیایی استفاده کرد که به دلیل مسائل خاورمیانه و نیز مسائل وحدت اعراب موضوع مسکوت ماند. در افغانستان نیز نیروهای شوروی و دولتی در مقابله با چریک‌های افغانی از عوالم شیمیایی موسوم به «باران زرد» استفاده کرده‌اند.

[صفحه ۳۸]

کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران

اما فاجعه آمیزترین کاربرد سلاح‌های شیمیایی در طول تاریخ، استفاده عراق از این جنگ افزارها در طول هشت سال جنگ تحمیلی بود. در این جنگ نیروهای عراقی پس از شکست‌های متعدد در مناطق مختلف جبهه جنگ به استفاده از انواع عوامل شیمیایی علیه افراد نظامی و غیر نظامی روی آوردند و در این مدت با استفاده از انواع مهمات شیمیایی از قبیل بمب، گلوله‌های توپ و خمپاره که حاوی گازهای سمی و کشنده‌ای همچون عوامل عصبی، گازهای خردل، سیانور و عوامل خفه کننده بودند، به نقض آشکار تعهدات مربوطه خود در کنوانسیون‌های بین المللی پرداختند. «در طی این مدت بیش از ۲۵۲ مورد حمله شیمیایی (عراق) علیه ایران صورت گرفت که در سازمان ملل متحد ثبت شده است». [۲۴].

در ادامه با استفاده از مهمترین منبع ثبت حملات شیمیایی عراق علیه ایران، روند این حملات را مورد بررسی قرار می‌دهیم. [۲۵] این حملات را به سه بخش می‌توان تقسیم نمود: ۱. دی ماه ۱۳۵۹ تا تیرماه ۱۳۶۲ به صورت حملات و مانورهای آزمایشی؛ ۲. مردادماه ۱۳۶۲ تا بهمن ماه ۱۳۶۲ به صورت حملات محدود ولی متمرکز؛ و ۳. اسفندماه ۱۳۶۲ تا خاتمه جنگ به صورت حملات گسترده و سنگین. لذا در دوران جنگ تحمیلی کشور ما به مدت پنج سال از مردادماه ۱۳۶۲ تا تیرماه ۱۳۶۷ مورد تهاجم جدی شیمیایی عراق قرار گرفت. اگر وقایع گذشته را یک بار به سرعت مرور کنیم متوجه یک روند رو به رشد خواهیم شد که در ماه‌های آخر جنگ به اوج خود رسید.

روند رو به رشد حملات شیمیایی عراق

عراق از سال ۱۳۶۲ تا اوایل ۱۳۶۳ ابتدا از گاز خردل و سپس از گاز تابون استفاده کرد. در آن زمان اختلالی در وسایل پخش گاز

شیمیایی و ساختمان بمب‌ها وجود داشت و حملات شیمیایی به طور نسبتاً ناموفقی صورت می‌گرفت، لذا رقم مصدومین و شهدا کمتر از حدی بود که از به کارگیری آن حجم عظیم عامل شیمیایی محاسبه می‌شد. در طی این مرحله اغلب مصدومین دچار ضایعات خفیف و متوسط شده و تعداد کمتری آسیب شدید دیدند.

در اواخر سال ۱۳۶۳ و سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ نارسایی‌های گذشته به وضوح اصلاح شد و روش پخش عوامل شیمیایی به نحو موثری بهبود یافت. علاوه بر این احتمالاً از سیستم‌های پخش کننده عامل شیمیایی به روش اسپری نیز به میزان محدودی استفاده شد.

در اوایل سال ۱۳۶۶ نخستین حمله با گاز عصبی سارین در خرمشهر توسط موشک‌های کاتیوشا صورت گرفت. لازم به ذکر است که قدرت کشندگی سارین بسیار بیشتر از تابون است. در آخرین مراحل جنگ، عراق حملاتی را به خصوص با گاز سارین به خطوط مقدم دفاعی رزمندگان ایران به ترتیب در منطقه فاو، شلمچه و جزایر مجنون انجام داد تا مقاومت آنها را از بین برده و به سهولت منطقه را تصرف کند. در این حملات گلوله‌های گاز اعصاب توسط توپخانه، به تعداد زیاد و معمولاً در شب و به طور دقیق در مقدمه حمله عراقی‌ها استفاده می‌شد. با یک جمع بندی ساده سیر پیشرفت جنگ شیمیایی چنین مشخص می‌گردد:

[صفحه ۳۹]

کیفیت پخش عامل، سال‌های اول: ابتدایی بودن وسایل پخش عامل و اشکال در گلوله‌ها و بمب‌ها، در سال‌های آخر: رفع نواقص نوع وسایل، سال‌های اول: بمب و توپ، در سال‌های آخر: بمب و توپ به اضافه موشک. حجم گاز در هر حمله، در سال‌های اول: محدود، در سال‌های آخر: گسترده و غلظت زیاد. نوع گاز، در سال‌های اول: خردل به اضافه تابون، سال‌های آخر: خردل به اضافه سارین به اضافه GF. جسارت در به کارگیری، در سال‌های اول: بیشتر در مناطق نظامی و مصدوم شدن غیر نظامیان به طور جانبی، در سال‌های آخر: علاوه بر اهداف نظامی حمله به نقاط کاملاً مسکونی و غیر نظامی. این روند رو به رشد استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی، زیر دید ناظران بین المللی و به ویژه تیم‌های کارشناسی اعزام سازمان ملل متحد علیرغم هشدارها و اعلام خطرهای آنان، ادامه یافت و جنگ در هاله گرد و غبار ابرهای شیمیایی به اتمام رسید.

حملات شیمیایی تا قبل از عملیات خیبر

حملات شیمیایی دی ۱۳۵۹ تا تیر ۱۳۶۲

جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تجاوز عراق به ایران آغاز شد. از زمستان سال ۱۳۵۹ یعنی چند ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی، عراق اولین بار از گلوله‌های شیمیایی استفاده کرد که اغلب از مواد اشک آور و تهوع زا و عصبی کننده، تشکیل یافته بود و البته موارد آن بسیار محدود بود و به نظر می‌رسید بیشتر جنبه آزمایشی داشته باشد. مجموع این موارد تا ابتدای مرداد ماه ۱۳۶۲ که شروع انجام چند عملیات بزرگ در غرب کشور بود، به ۲۵ مورد می‌رسید.

حملات شیمیایی مرداد ۱۳۶۲ تا بهمن ۱۳۶۲

مجموعه حملات شیمیایی این دوره تقریباً ۲۵ مورد است که مهم‌ترین آنها را خواهیم گفت. در مرداد ماه ۱۳۶۲، هفت حمله

شیمیایی مهم در مناطق عملیاتی شمال غرب کشور (والفجر ۲) و در پیرانشهر، روستاهای مجاور و حاج عمران صورت گرفت که در این حمله در دو مورد بمباران سنگینی که انجام شد افراد غیر نظامی نیز آسیب دیدند (حاج عمران؛ ۶:۳۰ بعد از ظهر ۱۷ مرداد و ۷ صبح ۱۸ مرداد).

در آبان ماه ۱۳۶۲ منطقه وسیعی از غرب کشور، یعنی چند روز پس از عملیات و الفجر ۴، با گاز خردل بمباران شیمیایی شد که به جز مناطق نظامی، شهرهایی چون مریوان، سردشت (۳ آبان)، بانه (۹ و ۸ آبان) و روستاهای مجاور را نیز شامل می‌شد. این حملات منجر به مصدوم شدن عده‌ای از رزمندگان و نیز گروهی از مردم غیر نظامی اعم از زنان و کودکان شد. دولت جمهوری اسلامی ایران طی نامه‌های متعددی جزئیات حوادث فوق را به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل متحد رسانیدند و درخواست نمودند تا در اسرع وقت هیأتی جهت بررسی شواهد به جای مانده از حادثه و معاینه بیماران به ایران اعزام شود، ولی متأسفانه هیچ اقدامی صورت نپذیرفت.

در ماه‌های آذر، دی و بهمن سال ۱۳۶۲ نیز به طور پراکنده و بسیار محدود حملات شیمیایی صورت گرفت. تا اینکه عملیات بزرگی در جنوب کشور در جزایر مجنون (عملیات خیبر) آغاز گشت که سومین مرحله جنگ شیمیایی محسوب می‌شد و تا آخر جنگ ادامه داشت. حملات بسیار گسترده‌ای که با گاز خردل صورت گرفت و نخستین تشکیلات درمانی ویژه مصدومین شیمیایی در جنوب کشور ایجاد شد.

حملات شیمیایی در عملیات خیبر

در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۶۲ در جنوب کشور عملیات گسترده‌ای به نام خیبر آغاز شد، نخستین حمله گسترده و شدید با گاز خردل در این عملیات صورت گرفت. در ابتدا دانش کمی

[صفحه ۴۰]

در مورد مکانیسم اثر و چگونگی برخورد با گاز خردل وجود داشت و به طور کلی سیستم مناسبی برای مقابله با این گونه حملات نبود اما به تدریج سیستم درمان مصدومین شیمیایی شکل گرفت.

حملات شیمیایی در عملیات بدر

اهمیت گازهای اعصاب که در عملیات بدر مورد استفاده وسیع قرار گرفت، در ایجاد آثار کشنده و سریع و نیز تأثیر قطعی درمان مناسب و سریع مصدومین مربوطه می‌باشد. در این مرحله از جنگ، نقش حیاتی سیستم درمانی مستقل مصدومین شیمیایی که در سال ۱۳۶۲ بسیار ساده و مختصر بود، تجربه شد و تا خاتمه جنگی یکی از وظایف مهم بهداری به شمار می‌رفت، پس از شروع عملیات بدر، مقامات کشور ما به طور رسمی به سازمان ملل متحد هشدار دادند که عراق در تدارک تهاجم گسترده شیمیایی علیه ایران است.

حملات شیمیایی در عملیات فاو (والفجر ۸)

عملیات بزرگ فاو (و الفجر ۸) در تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۶۴ رقم خورده است. پس از گذشت ۳ روز طاقت فرسا و استقرار نیروها در منطقه فاو، پاتک‌های سنگین عراق شروع شد و جنگ سختی در گرفت که طی آن عراقی‌ها از امکانات متنوعی از جمله تسلیحات

شیمیایی استفاده نمودند. پس از گذشت حدود دو ماه و نیم، جنگ نیروها در زمین، هوا و دریا به اتمام رسید و با استحکام خطوط دفاعی ایران در منطقه کارخانه نمک، برای مدتی طولانی آرامش نسبی بر شبه جزیره فاو حاکم شد.

فاو منطقه‌ای نیمه باتلاقی و پر از گیاهان و نزارهای بلند و نخلستان‌هایی به ویژه در حاشیه‌های مجاور آب قرار دارد. با توجه به محدود بودن منطقه و امکان پایداری بیشتر عوامل شیمیایی، امکان حملات شدید شیمیایی بسیار بود. در روزهای اول عملیات، به دلیل بارندگی‌های شدید و بی‌وقفه و هوای ابری، پرواز هواپیماهای عراقی به ندرت صورت می‌گرفت، تا اینکه بالاخره حملات شیمیایی آغاز شد.

در عملیات فاو، در بهمن و اسفند ۱۳۶۴، نیروهای عراق از گاز عصبی سارین به شکل بی‌سابقه‌ای استفاده کردند و استفاده از این گاز تا خاتمه جنگ به عنوان یکی از موثرترین گازهای ناپایدار جنگی، موقعیت خود را حفظ نمود. در این مرحله از جنگ شیمیایی که با عملیات فاو همزمان بود، اگرچه گاز اعصاب به خصوص سارین به عنوان اصلی‌ترین سلاح شیمیایی محسوب می‌شد؛ حملات گاز خردل نیز به دفعات به وسیله هواپیما و توپخانه‌ها انجام گرفت.

حادثه سردشت

عراقی‌ها، مهمترین حملات شیمیایی به مناطق غیر نظامی پس از جنگ جهانی اول را در سال ۱۳۶۶ انجام دادند. حملات سنگین شیمیایی ارتش عراق هم در شهرهای ایران و هم در خاک عراق علیه اهداف غیر نظامی بارها صورت گرفت. در گذشته نیز مناطق مسکونی، هدف قرار می‌گرفتند ولی صدمات بسیار محدود بود. عراق در این

[صفحه ۴۱]

مرحله از جنگ شیمیایی، فشار را بر روی غیر نظامیان متمرکز کرد، چون اولاً می‌توانست مسئولین ایرانی را نگران ادامه مقاومت در برابر خواسته عراق سازد و از سوی دیگر، روحیه مردم را در شهرهای مختلف کشور که این بیماران را با بیماری‌های وحشتناک می‌دیدند، تضعیف نماید. ثانیاً با توجه به این نکته که غیر نظامیان در برابر حملات شیمیایی آسیب پذیری بیشتری دارند، با صرف هزینه بسیار ناچیز، یعنی انداختن تنها چند بمب شیمیایی، هزاران بیمار را راهی مراکز درمانی و نقاهتگاه‌های ایران در شهرهای مختلف می‌کرد و چون مصدومین شیمیایی (خصوصاً مصدومین عوامل تاول‌زا) باید مدت زمان زیادی بستری شوند لذا عملاً تعداد زیادی از تخت‌های فعال مراکز درمانی ایران اشغال می‌شد و این موضوع می‌توانست آثار دردناک روحی برای مردم و کادر پزشکی به دنبال داشته باشد و علاوه بر آن خدمات پشتیبانی درمانی برای نیروهای نظامی را مختل نماید.

عملیات والفجر ۱۰ حوادث مربوط به روستاهای اطراف

در اوایل فروردین ۱۳۶۷ نگرانی زیادی به دلیل احتمال حملات شیمیایی موشکی عراق به تهران و سایر شهرهای بزرگ وجود داشت. خبرگزاری عراق در ۹ / ۱ / ۶۷ به نقل از مسئولین عراقی اعلام کرد که: «... عراق ممکن است به عنوان یک اقدام بازدارنده و کیفری، تعدادی از شهرهای بزرگ ایران را هدف حملات شیمیایی قرار دهد...». حتی در برخی از خبرها، فاجعه حمله شیمیایی عراق به حلبچه و نقاط کرد نشین عراق را به ایران نسبت داده و اضافه نمودند که به تلافی حملات فوق (!) عراق به شهرهای پر جمعیت ایران حمله شیمیایی خواهد کرد.

علیرغم اصرار مسئولین جمهوری اسلامی ایران، سازمان ملل در اعزام تیم کارشناسی اهمال می‌کرد، تا اینکه سرانجام در ۸ / ۱ /

۱۳۶۷ هیأتی به تهران وارد شد. این تأخیر ۱۲ روزه باعث شد تا شواهد مستند مربوط به گاز اعصاب و سیانید هم از نظر مصدومین و شهدا و هم از نظر نمونه برداری (به علت ناپایداری عامل) قابل ارائه نباشند. ضعف دیگر کار هیأت این بود که تنها متخصص این گروه یک پزشک بود و کارشناس مواد شیمیایی و اسلحه شناس همراه تیم نبود و لذا گزارش کامل تهیه نشد، به علاوه هیأت اجازه بازدید از شهر حلبچه را نداشت.

حدود یک ماه بعد در گزارش منتشره از سوی آن هیأت ملاحظه شد که کاربرد گاز خردل به عنوان عامل اصلی مسمومیت معرفی و از عامل اعصاب به عنوان عامل فرعی نام برده شده است؛ در حالیکه واقعیت این نبود و شواهد باقیمانده در مورد عامل اعصاب در زمان حضور تیم در ایران از بین رفته بود و تنها به دلیل تأثیر سریع و ناپایداری شدید آن، بسیار ناچیز و غیر قابل استفاده شده بود.

حملات عراق به مناطق فاو شلمچه مجنون

در تاریخ یکشنبه ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۷، عراق حمله شیمیایی خود را به منطقه فاو در خطوط مقدم و مناطق پشتیبانی آن آغاز کرد. در این حمله، عراق از توپخانه گاز اعصاب استفاده نمود، البته مقدار کمی نیز سیانید به کاربرد. در پنجشنبه ۱ / ۲ / ۱۳۶۷ عراق برخی روستاهای خوزستان در اطراف دارخوین و هویزه را مورد حمله با گاز اعصاب و سیانید قرار داد که عده‌ای شهید و مصدوم شدند. عراق همچنان به تهدیدهای خود درباره تهاجم شیمیایی به مناطق غیر نظامی و شهرهای بزرگ کشور، از جمله تهران ادامه داد. به دنبال تصرف فاو، عراق در تاریخ ۴ / ۳ / ۱۳۶۷ با حمله دیگری منطقه عملیاتی کربلای ۵ (شلمچه) و سپس جزایر مجنون را نیز به تصرف خود درآورد. طی این حمله، عراق از گلوله‌های توپ و بمب‌های حاوی گاز اعصاب نیز استفاده کرد.

کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای عراقی

علاوه بر کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران، نیروهای تحت حاکمیت صدام، رئیس جمهوری معدوم عراق، در

[صفحه ۴۲]

طول جنگ تحمیلی به کرات برای سرکوب کردهای معارض این کشور به قوه قهریه از جمله سلاح‌هایی که سلاح خاص (شیمیایی) می‌نامیدند، متوسل شدند. با وجود این، بمباران شیمیایی حلبچه، در اوج جنایات شیمیایی صدام قرار می‌گیرد. هر چند، بمباران حلبچه نمونه‌ای از خشونت بارترین جنایات صدام حسین به شمار می‌رود، موضوع بمباران شیمیایی حلبچه چندان مورد بحث و مذاقه علمی قرار نگرفته است. در زمینه دلایل عدم توجه به این موضوع به عوامل مختلفی، از جمله عدم اقتضای دامن زدن به این موضوع بر اساس سیاست ایالت متحده امریکا، می‌توان اشاره کرد. به عبارت دیگر، تنها بعد از حمله صدام به کویت، زمانی که سیاست‌های کشور کویت ایجاب کرد، مسئولیت ارتکاب این حملات از سوی صدام و نیروهای تحت رهبری او مورد تأیید قرار گرفت. البته صدام در دادگاه محاکمه وی پس از دست‌گیری‌اش به دست نیروهای امریکایی، مسئولیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایرانی‌ها را پذیرفته و از این عمل ددمنشانه خود به عنوان یک افتخار یاد کرد.

در حالی که پس از این موضع‌گیری صدام، قسمت اعظم معما حل شده به نظر می‌رسد، با توجه به مسئولیت‌های مستقیم و غیر مستقیم حامیان بین‌المللی صدام و از جمله ایالت متحده آمریکا در زمان جنگ عراق علیه ایران، راه زیادی برای احقاق حقوق قربانیان این حملات وجود خواهد داشت. البته، اذعان دولت آمریکا بر نقش صدام در بمباران شیمیایی حلبچه، به طور غیر مستقیم در زدودن اتهامات واهی علیه جمهوری اسلامی ایران از یک سو نشان دادن مسئولیت واقعی دولت وقت عراق و حامیان آن از

سوی دیگر بسیار حائز اهمیت است. در عین حال، می‌توان نتیجه گرفت که انفعال جامعه بین‌المللی نسبت به اقدامات مغایر با حقوق بین‌الملل موجب تجری بیشتر صدام شده و در نهایت او را به کاربرد سلاح‌های شیمیایی حتی علیه شهروندان خود رهنمون می‌کرد. [۲۶].

یوسف هیلتر من [۲۷]، در بیان بخش عمده جنایت حلبچه و برای نشان دادن نقش دستگاه حکومتی صدام در این جنایت معتقد است که علی شیمیایی، پسر عمومی صدام که توسط وی به عنوان رئیس پلیس امنیتی عراق منصوب شده بود، به مدت دو سال در این پست مشغول فراهم کردن منویات صدام بود و وقت کافی برای سرکوب کردها در اختیار داشت. وی در مارس ۱۹۸۷ با ارسال پیامی به کردها اعلام کرد که دوران کردها دیگر به سر آمده است. به دنبال این هشدار، از اواخر سال مزبور وی با به عهده گرفتن رهبری عملیات انفال، با «سلاح‌های خاص» این عنوان در دوره حکومت صدام به سلاح‌های شیمیایی اطلاق می‌شد - شورشیان کرد را سرکوب کرد. در واقع کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه کردهای عراقی یکی از مراحل هشت گانه عملیات سرکوب کردها بود که در نتیجه آن هزاران نفر در حلبچه کشته شدند و در موارد بعدی با ایجاد رعب و وحشت ناشی از کاربرد این سلاح‌ها، آن دسته از مردان، زنان و کودکان روستایی که از این حملات نجات پیدا کرده و پا به فرار می‌گذاشتند. به دست سربازان رژیم بعثی که از قبل در انتظار آنها بودند، اسیر و تحویل پلیس امنیتی عراق می‌شدند. گروه ویژه قتل عام این اسیران، کار را تمام می‌کردند و آن عده که جزء اعدامی‌ها نبودند، به مناطق دور دست تبعید می‌شدند. گفته می‌شود که بین هفتاد تا هشتاد هزار نفر از مردان کرد در طول این عملیات مفقود شدند و خبری از سرنوشت آنها به دست نیامده است.

شکی نیست که حکومت ریگان از تمام آنچه به سر کردها می‌آمد، مطلع بود. اسناد دولت آمریکا و مصاحبه برخی از مسئولین این کشور ادعای مزبور را تأیید می‌کند. می‌توان گفت که دلیل حمایت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی با دادن اسلحه و اطلاعات امنیتی و نظامی مربوط به جنگ - دولت آمریکا از صدام به دلیل ترس ایالات متحده آمریکا از نفوذ انقلاب اسلامی ایران

[صفحه ۴۳]

در منطقه بود. بدیهی است که جنگ و کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران از دیدگاه صدام و آمریکا می‌توانست بازدارنده باشد. دستگاه اطلاعاتی آمریکا کاملاً نسبت به اقدامات صدام آگاه بود، با وجود این، برای ممانعت از توسل او به سلاح شیمیایی به هیچ اقدامی دست نزد. در واقع، در مقابل صدام، آمریکا نه تنها با یک ژست سیاسی کاربرد سلاح شیمیایی توسط او را محکوم نکرد، بلکه در سال ۱۹۸۴ با اعزام دونالد رامسفلد به عنوان فرستاده ویژه به عراق، خواهان تجدید روابط سیاسی با این کشور شد.

جمع بندی

شاید بتوان گفت تا دهه ۱۹۸۰ خلع سلاح و کنترل تسلیحات، موضوعات خاص دو بلوک شرق و غرب بوده و مجموعه جهان سوم به طور عمده نقش حاشیه‌ای در این فرایند داشتند. با تحولات عمده‌ای که در معادلات روابط بین‌الملل رخ داد، جهت‌گیری‌های خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز وارد عرصه دیگری شد و در واقع با فروکش کردن رقابت‌های سنتی شرق و غرب شکل دیگری از معماری روابط بین‌الملل مطرح شد که طی آن کنترل تسلیحات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گشت.

در طول دهه ۱۹۸۰، اقدام عراق در کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران و حتی شهروندان خود نیز عامل مهمی در اقتناع جامعه بین‌المللی برای انعقاد یک معاهده بین‌المللی برای منع جامع سلاح‌های شیمیایی بود که در عین حال این معاهده نواقص مکانیسم‌های قبلی را نیز نداشته باشد. بر همین اساس بود که کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی در سال ۱۹۹۳ با هدف جلوگیری از تولید، انباشت،

استفاده و توسعه سلاح‌های شیمیایی و الزام به انهدام کلیه سلاح‌های شیمیایی منعقد شد. مفاد و مقررات این کنوانسیون به طور یکسان و غیر تبعیض آمیز برای تمام دول عضو الزام آور بوده و در صورت اثبات عدم پایبندی یک کشور عضو نسبت به تعهدات خود، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی، سازمان بین المللی مجری کنوانسیون، می‌تواند مجازات‌های سختی را علیه کشور خاطی تعیین و اعمال نماید.

کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی نسبت به دیگر معاهدات بین المللی کامل‌ترین و جامع‌ترین آنها محسوب می‌گردد چرا که ضمن ممنوعیت کامل چرخه حیاتی یک سری از سلاح‌های کشتار دسته جمعی، دارای مبانی محکم بازرسی و مقررات سفت و سخت نظارت بر پایبندی و حسن اجرا، ارائه اطلاعات، سازمان اجرا کننده شده است. در واقع، کنوانسیون شیمیایی، نخستین سند بین المللی خلع سلاحی است که هدف غایی آن از بین بردن یک طبقه کامل از سلاح‌های کشتار جمعی است. [۲۸].

اما نتیجه فوق، با تمام اهمیتی که دارد، تنها یک روی سکه را نشان می‌دهد. در این جنگ سکوت خارجی و انفعال جامعه بین المللی در مقابل کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، هموار کننده مسیر کاربرد فزاینده سلاح‌های شیمیایی توسط عراق علیه ایران و حتی شهروندان عراقی بود. به عبارت دیگر، کشورهای خارجی و به خصوص قدرت‌های خارجی و سازمان ملل با برخورد انفعالی خود صدام را در کاربرد سلاح شیمیایی جری‌تر ساختند. زیرا علیرغم اعزام چندین هیأت بازرسی سازمان ملل به ایران و تأییدیه گروه‌های حقیقت یاب در مورد کاربرد این سلاح‌ها، شورای امنیت نه تنها عراق را محکوم نکرد بلکه در عباراتی مبهم «از طرفین خواست تا از کاربرد سلاح‌های شیمیایی خودداری کنند». عباراتی که برای دو طرف تعهد یکسانی را مشخص می‌کرد، هر چند ایران نقشی در کاربرد سلاح‌های شیمیایی نداشت.

به هر حال، در اثر حملات شیمیایی عراق هزاران نظامی و غیر نظامی جان خود را از دست دادند و یا به دلیل مصدومیت‌های شیمیایی خود و خانواده‌شان با آثار و عوارض ناشی از این مصدومیت رنج می‌برند. اما از بعد امنیت منطقه‌ای و چشم انداز آتی آن، این انفعال جامعه بین المللی موجب شد تا میل به اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در سال‌های بعد در منطقه تقویت شود. زیرا وقتی کشورهای منطقه شاهد بودند که ایران در برابر حملات شیمیایی صدام بی دفاع مانده و مکانیسم‌های بین المللی هیچ کمک و حمایتی برای ایران ارائه ندادند، به صورت کاملاً طبیعی نتیجه گرفتند که مهمترین اصل تأمین امنیت ملی اصل خود اتکایی و بازدارندگی در برابر تهدیدات از طریق دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی است. [۲۹].

پاورقی

[۱] Necessity Knows No Rule.

[۲] «تاریخ جنایت بار جنگ شیمیایی از آغاز تا حلبچه» رسالت، ۲۲ / ۱ / ۶۷، ص ۴.

[۳] حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، صنایع شیمیایی، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، تهران؛ موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، ص ۴۴.

[۴] حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سید علی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۲.

[۵] رضا نجفی «عوامل موثر و دلایل تدوین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی»، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

[۶] A. Kuntsewich and Y.Nazardim "Ban All Chemical Weapons" International Peace and Disarmament, Scientific Council on Peace and Disarmament Naula ۱۹۸۷.P۶۹.

[۷] حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین ص ۴۵ و ۴۴.

[۸] همان، ص ۴۵.

[۹] Roblinson. A Chemical and Biological Warfare (Stevens and Sona Ltd. ۱۹۶۸) P.۴۷

[۱۰] SIPRI Biological & Chemical Warfare Studies , Proceedings of SIPRI and Pugwash Conference, ۱۹۸۶, P.۱۰۶

[۱۱] در دومین کنفرانس لاهه در سال ۱۹۰۷ بود که تلاش‌های بین‌المللی خلع سلاح به اولین قرارداد بین‌المللی که از نظر حقوقی تعهد آور بود، نایل آمد. در این کنوانسیون، منع قبلی استفاده از سلاح‌های سمی در جنگ تأیید شد. در ماده ۲۳ بندهای (الف) و (ر) این کنوانسیون در مورد جنگ‌های زمینی تصریح شده که حق هر دو طرف متخاصم در به کارگیری وسایلی که به دشمن صدمه بزنند، نامحدود نیست و به کارگیری جنگ افزارها، پرتاب کننده‌ها یا مواد با هدف ایجاد آسیب غیر عقلایی به ویژه استفاده از سم یا جنگ افزارهای سمی ممنوع است. به هر حال کنوانسیون لاهه که محصول زمان خود بود، از هیچ مقرراتی برای اعمال بازرسی برخوردار نبود و در آن از نحوه برخورد با موارد عدم رعایت مفاد کنوانسیون ذکر می‌نماید. طبق ماده ۳ این کنوانسیون، در صورتی که طرف مقابل مقررات کنوانسیون را نقض کند، با توجه به اقتضای مورد، موظف به پرداخت غرامت است. با شروع جنگ جهانی اول کنوانسیون نتوانست از وقوع جنگ شیمیایی ممانعت به عمل آورد و هر دو گروه دول متحد و متفق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند.

[۱۲] Goldblate. Jozef "Chemical Disarmament from the Bon on Use to a Ban of Possession, Background Paper Number ۱۷ , the Canadian Institute for International Peace and Security (Feb ۱۹۸۸) P.۱

[۱۳] Natalino Ronzitti Workshop on CWC, A Breakthrough in Multilateral Disarmament, Hague Academy of International Law ۱۹۹۴

[۱۴] حسین، علایی، جنگ شیمیایی تهدید فزاینده، تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۶۷، ص ۱۲.

[۱۵] حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین، ص ۴۶.

[۱۶] Glodblate, Jozef "The Problem of Chemical and Biological Warfare" Sipri CBW Studies, Vol. IV, P.۲

[۱۷] SIPRI CB Studies Vol.۱ p XII

[۱۸] حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، پیشین، ص ۴۶.

[۱۹] «از حشره کش تا بمب شیمیایی» آدینه، شماره ۲۲، ۱۳۶۷، ص ۱۳.

[۲۰] حمید بعیدی نژاد، سیستم‌های نظارت بر اجرای تعهدات در کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، تهران: وزارت امور خارجه، بی‌تا، ص ۱۲.

[۲۱] حسن مشهدی، «خلع سلاح و امنیت جهانی»، روزنامه اطلاعات، ۳۰ دی ماه ۱۳۷۰، ص ۱۲.

[۲۲] Kuntsewch and Narkim Op cit P.۳۱

[۲۳] SIPRI CB Studies Op cit P.XII

[۲۴] رضا نجفی، پیشین، ص ۱۳.

[۲۵] سید عباس فروتن، جنگ شیمیایی عراق و تجارب پزشکی آن، تهران: دانشگاه علوم پزشکی بقیه ... (عج)، ۱۳۸۲.

[۲۶] Joost R Hiltermann. A Poisonous Affair: America Iraq and the Gassing of Halabja

Cambridge University Press ۲۰۰۷ ۳۴۶ PP

[۲۷] یوست هیلترمن به عنوان مدیر بخش نظارت بر تسلیحات در سازمان دیده‌بان حقوق بشر، گزارش مفصلی از قتل عام کرده‌های حلبچه با گازهای شیمیایی برای این سازمان تهیه کرده بود. در سال ۲۰۰۷ نتیجه مطالعات خود در این زمینه را در قالب یک کتاب منتشر کرد. وی اکنون مدیر پروژه خاورمیانه در گروه مطالعاتی بحران‌های بین‌المللی است.

[۲۸] برای اطلاع بیشتر از محتوا و وضعیت اجرای کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ر.ک: www.opcw.org.

[۲۹] Just Hiltermaan "Qoutsiders as Enablers" Chapter ۶ in Lawrence G Potter and Gary Sick (NY:Palgrave Macmillan ۲۰۰۴).iran/Iraq and the Legacies of war

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتعم فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد.»



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

